

گفت‌وگو با مجید نظافت درباره شعر و حضور غلامرضا شکوهی در جلسات شعر خراسان پلی میان دو فضا!

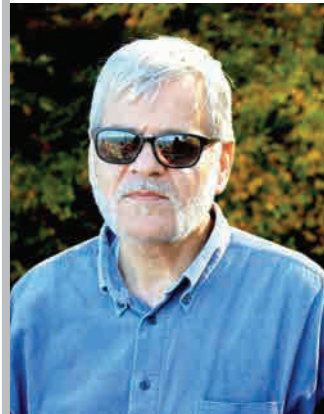
صدرا وحدت

غلامرضا شکوهی شاعر فقید خراسانی از جمله شاعرانی بود که در جلسات شعر خراسان در زمان حیات حضور فعالی داشت و حضورش به جلسات شعری وزن می‌بخشید. به همین مناسبت با مجید نظافت، شاعر سپیدسرای خراسانی که سال‌هایی در کسوت گرداننده جلسات مختلف شعری بوده است و این روزها هم مدیریت انجمن شعر معاصر را بر عهده گرفته است، گفت‌وگو کرده‌ایم.

* اولین دیدار با شکوهی

جناب شکوهی را در جلسه باغ نادری در سال‌های ۵۹ یا ۶۰ دیدم. جلسه‌ای بود که بعد از انقلاب به توصیه رهبری، آقای کمال اداره می‌کردند. آن جلسه به نوعی، اولین جلسه رسمی شعر بعد از انقلاب در مشهد بود. استاد کمال، صاحبکار، شکوهی از جمله دوستانی بودند که اکنون در قید حیات نیستند. جلسه پربار و خوبی بود. چند نفری از نسل بعدی مثل عبدالله حسینی، رفائی، محدثی، بنده و... نیز حضور داشتیم.

گردانندگان اصلی آن جلسه آقایان صاحبکار، کمال و... بودند. آقای شکوهی در رده دوم بزرگان جلسه محسوب می‌شد. آن موقع آقای شکوهی سن و سالی نداشتند و پیشکسوت‌ترها بودند، اما شکوهی به دلیل شأن شعری و جایگاه ادبی‌اش به عنوان یک معلم ادبیات در آن جلسه مورد توجه بود. شهرت بیشتر و شعرهای بهترش در آن سال‌ها غزل‌های عاشقانه بود و در آن زمان که جوان‌تر بود بیشتر شعر عاشقانه می‌گفتند. در غزل عاشقانه جایگاه خوبی داشت و دارد.



باشد و روحیهٔ جنجالی نداشته باشد، خیلی بعید نیست که دیده نشود و شکوهی هم از همین گروه بود. شکوهی در بسیاری از سالهای جوانی عضو دائمی هیچ جلسه‌ای نبود و تقریباً با همهٔ نحله‌ها ارتباط داشت، اما میان‌دار هیچ نحله‌ای نبود. همهٔ این روحيات باعث می‌شد که شعرش به اندازهٔ کافی دیده نشود.

در سالهای اول انقلاب که شور انقلابی‌گری در اوج بود، شکوهی در شعرش بیشتر به غزل پرداخت و طبیعی است که مسئولان شهر به شاعری با این روحیه و سبک و سیاق توجه زیادی نکنند و اگر نبود اتفاق و تغییر فضای ایشان به سمت شعر آیینی، شاید همین اندازه هم که امروز شناخته شده است، توجه نمی‌شد. شکوهی از ۱۵ سال پیش تغییر حال و هوایی داد و به شعر آیینی هم توجه کرد و در زمینهٔ شعر آیینی کارهایی انجام داد که بسیار خوب بود. در این سالهای اخیر شکوهی به دلیل شعرهای آیینی‌اش بیشتر در منظر مسئولان فرهنگی استان قرار گرفت و در جامعهٔ ادبی کشور شناخته شد. تغییر منظر از نقاط اوج اتفاقات شاعرانهٔ شکوهی بود. شعرهای آیینی شکوهی با سایر شاعران آیینی متفاوت بود و در مقایسه با دیگران جزو سرآمدان خراسان محسوب می‌شد.

* سرفصل تغییر

حجت‌الاسلام صفری زرافشان، شاعر آیینی، با شکوهی مأنوس بود و اشعار آیینی خودش را به شکوهی عرضه می‌کرد و از نظرات وی استفاده می‌نمود. شکوهی در همین رفاقت و ارادتی که به اهل بیت (ع) داشت، یکی‌دوتا شعر آیینی برای او خوانده بود و با اصرار و هزینهٔ صفری بخشی

از شعرهای آیینی شکوهی در قالب یک کتاب چاپ شد. آن کتاب مورد توجه علاقه‌مندان شعر آیینی قرار گرفت و همان اتفاق سرفصلی شد که استاد شکوهی به‌عنوان شاعر آیینی نیز مطرح شود. در این سالهای آخر عمر هم بخش عمده‌ای از شعرهایش آیینی بود و در ماجرای تشییع جنازه و مراسم سوگواری وی نیز علاقه‌مندان به اهل بیت (ع) و متولیان مذهبی شرکت باشکوهی داشتند.

* عاشقانه‌های شکوهی

بعدها شعر عاشقانه رواج یافت اما عاشقانه‌های شکوهی با اشعار عاشقانه‌ای که در این دوره‌ها گفته می‌شد، متفاوت بود و از نظر زبانی کهن‌تر. جوانانی که دنبال شعر عاشقانه بودند، اشعار شکوهی مقداری برایشان سنگین به نظر می‌آمد. این اشعار که در زمان خودش شعرهایی آوانگارد به حساب می‌آمد، دیده نشد.

* پیشرو نئوکلاسیک

زبان شعری شکوهی از ۴ دهه پیش با زبان شاعران کلاسیک‌سرا و قدمای خراسان متفاوت بود و زبان امروزی‌تری داشت. انصاف این است که بگوییم قبل از بحث‌های نئوکلاسیک و... ایشان این راه را آغاز کرده بودند و زبان متفاوتی داشتند و اگر ایشان را از پیشروان نئوکلاسیک کشور و خراسان مطرح کنیم به گراف سخن نگفته‌ایم.

* شکوهی و نسل جوان

شکوهی در انجمن فرخ هم شاعر شناخته شده‌ای بود. بعد از چند سال جلسهٔ باغ نادری را که بزرگان در آن میدان‌دار بودند و نگاه‌شان قدمایی بود را نسل جوان برمی‌تابید و احساس می‌کرد پایگاه دیگری نیازمند است که بر اساس همان نیاز جلسات حوزهٔ هنری شکل گرفت. نسل دوم شاعران انقلاب آن‌جا دور هم گردآمدند و در آن حلقه رشد کردند. شکوهی هم آن‌جا می‌آمد و از شاعران محترمی بود که شعرش به دلیل داشتن همان زبان نو و نوجو مورد توجه نسل جوان بود. از کسانی که نسل جوان شعرشان را می‌پسندیدند و به شاعری قبول داشتند، شکوهی بود.

شکوهی کسی بود که هم آقای کمال، صاحب‌کار و خسرو و محدثی و... به شاعری قبولش داشتند و هم نسل جوان، به همین دلیل به نوعی واسطهٔ شعری از شعر قدمای خراسان به شعر نئوکلاسیک خراسان و پلی میان شاعران پیشکسوت و جوان خراسان بود.

* شاعر بود

شکوهی اهل موضع‌گیری و پوشیدن ردای منتقد و ادیب نبود، بیشتر به‌عنوان یک شاعر شناخته می‌شد، شاعری که با شعر زندگی می‌کرد و شعرش حال و هوایی میانه داشت. در جلسات خیلی اظهار نظر نمی‌کرد. خیلی به‌عنوان منتقد و کسی که پیرامون شعر سخن بگوید، مطرح نبود. دوست داشت در یک حالت جلسه‌مانند در جلسات حضور داشته باشد و اگر بیتی یا شعری به نظرش خوب می‌آمد، احسنی می‌گفت یا شاعرش را مورد لطف قرار می‌داد. لاقلاً من ندیدم که ایشان در جلسه‌ای میان‌دار دفاع از نحلهٔ شعری مشخصی باشد، بیشتر دوست داشت شاعر باشد و شاعر باقی بماند و در کسوت منتقد فرو نرود.

* شاعران دور از مرکز

شاعران دور از مرکز قاطبه‌شان دچار این مشکل می‌شوند که به چشم نمی‌آیند و اگر کسی باشد که در سیره و منش و خلق و خویش شعر حاکم

